

## Islamic Knowledge and Insight

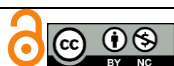
### Semiotics of the Character of Prophet Zakariyya in the Holy Qur'an

1. Mohadesseh Moqim: Department of Quran and Hadith Sciences, Sr.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Alibagher Taherinia\*: Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Iran. (Email: btaheriniya@ut.ac.ir)
3. Azadeh Abbasi: Associate Professor, Department of Quran, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran
4. Mojgan Sarshar: Department of Quran and Hadith Sciences, Sr.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

#### Abstract

The Holy Qur'an, as a revelatory text rich in semantic indications, employs a network of linguistic signs that enables the discovery of profound layers of meaning. Within this framework, Qur'anic characters function as dynamic signs, each representing a distinct discourse. The present study focuses on the semiotic analysis of the character of Prophet Zakariyya (peace be upon him) in the Holy Qur'an—a prophet praised among the righteous, whose narrative encompasses meanings that extend beyond a mere historical report. Examining this character from a semiotic perspective not only illuminates the mystical, pedagogical, and theological dimensions associated with him, but also reveals the Qur'an's expressive strategies for conveying elevated concepts through human symbols. Accordingly, re-reading the story of Prophet Zakariyya as a "sign" opens a window into the Qur'an's system of meaning-making. In this study, the character of Prophet Zakariyya is analyzed through a semiotic approach derived from Philippe Hamon's model of character semiotics, examining the signifier (onomastics, syntactic and rhetorical analysis), the signified (verbal and behavioral actions, quantitative and qualitative criteria), and the levels of character description (biological, psychological, social, and symbolic). Based on Hamon's theory of character semiotics, this research explores the diverse dimensions of Prophet Zakariyya's character in the Qur'an through the analysis of signifier (name and verbal signs), signified (concepts and meanings), and his attributes. The findings indicate complete congruence between the name and attributes of this character and his narrative function and role within the Qur'anic discourse. Considering the deep connection between semiotics and Qur'anic exegesis, this study, by analyzing the semiotic structure of Zakariyya's character, takes a step toward a deeper understanding of the Qur'an's expressive subtleties and rhetorical nuances. Such an approach can serve as a model for the re-examination of other Qur'anic characters and for explaining the systematic relationship between the form and content of verses

**Keywords:** *Holy Qur'an, semiotics, character, Zakariyya*



**How to cite:** Moqim, M., Taherinia, A., Abbasi, A., & Sarshar, M. (2026). Semiotics of the Character of Prophet Zakariyya in the Holy Qur'an. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(2), 1-20.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 09 June 2025

Revise Date: 28 November 2025

Accept Date: 06 December 2025

Initial Publish: 16 June 2026

Final Publish: 22 June 2026

## معرفت و بصیرت اسلامی

### نشانه‌شناسی شخصیت حضرت زکریا در قرآن کریم

۱. محدثه مقیم: گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. علی باقر طاهرینیا\*: استاد، گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، ایران. (پست الکترونیک: btaheriniya@ut.ac.ir)
۳. آزاده عباسی: دانشیار، گروه قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران
۴. مژگان سرشار: گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

#### چکیده

قرآن کریم، به عنوان متنی وحیانی و سرشار از دلالت‌های معنایی، با بهره‌گیری از شبکه‌ای از نشانه‌های زبانی، امکان کشف لایه‌های عمیق معنا را فراهم می‌سازد. در این میان، شخصیت‌های قرآنی به مثابه نشانه‌هایی پویا عمل می‌کنند که هر یک، گفتمانی خاص را نمایندگی می‌کنند. پژوهش حاضر با تمرکز بر نشانه‌شناسی شخصیت حضرت زکریا (ع) در قرآن کریم صورت می‌پذیرد؛ پیامبری که در زمره صالحان مورد ستایش قرار گرفته و روایت وی، نمادهایی فراتر از یک گزارش تاریخی را دربرمی‌گیرد. مطالعه این شخصیت از منظر نشانه‌شناسی، نه تنها ابعاد عرفانی، تربیتی و کلامی مرتبط با وی را روشن می‌سازد، بلکه ما را با شیوه‌های بیانی قرآن در انتقال مفاهیم بلند از طریق نمادهای انسانی آشنا می‌کند. از این رو، بازخوانی داستان حضرت زکریا (ع) به مثابه یک «نشانه»، پنجره‌ای به سوی نظام معناسازی قرآن می‌گشاید. در این پژوهش شخصیت حضرت زکریا با رویکرد نشانه‌شناختی برگرفته از الگوی نشانه‌شناسی فیلیپ هامون از حیث دال (نام‌شناسی، بررسی نحوی و بلاغی)، مدلول (کنش گفتاری و رفتاری، معیار کمی و کیفی) و سطوح توصیف شخصیت (بیولوژیکی، روانی، اجتماعی و نمادین) مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس نظریه نشانه‌شناسی شخصیت هامون، این پژوهش به واکاوی ابعاد گوناگون شخصیت حضرت زکریا (ع) در قرآن کریم از طریق تحلیل دال (نام و نشانه‌های کلامی)، مدلول (مفاهیم و معانی) و صفات ایشان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میان اسم و اوصاف این شخصیت با کارکرد داستانی و نقش روایی او در قرآن تطابق کامل وجود دارد. با توجه به پیوند عمیق میان دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، این پژوهش از طریق تحلیل ساختار نشانه‌شناختی شخصیت زکریا (ع)، گامی در جهت درک عمیق‌تر ظرایف و لطایف بیانی قرآن برداشته است. چنین رویکردی می‌تواند الگویی برای بازخوانی سایر شخصیت‌های قرآنی و تبیین ارتباط نظام‌مند میان صورت و محتوای آیات باشد.

**کلیدواژه‌گان:** قرآن کریم، نشانه‌شناسی، شخصیت، زکریا

شیوه استناددهی: مقیم، محدثه، طاهرینیا، علی باقر، عباسی، آزاده، و سرشار، مژگان. (۱۴۰۵). نشانه‌شناسی شخصیت حضرت زکریا در قرآن کریم. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲۴(۲)، ۱-۲۰.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۹ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۷ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۶ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵

از سوی دیگر قرآن کریم به عنوان یک متن موثق دینی و سرشار از نشانه‌های زبانی است. یکی از دلایل تمایز آن با دیگر متون، در به کارگیری نشانه‌ها و رمزگان به عنوان ابزار است تا بتوان از این طریق به لایه‌های پنهان متن دسترسی پیدا کرد. یکی از این نشانه‌ها، شخصیت‌های متعددی است که در این کتاب الهی نام برده شده است. بلاغت قرآن کریم در بیان رفتار و گفتار این اشخاص به گونه‌ای است که گویا ایشان را بر پرده نمایش، نمایان می‌کند.

یکی از پیامبرانی که در قرآن به او توجه شده حضرت زکریا است؛ در این پژوهش شخصیت حضرت زکریا با رویکرد نشانه‌شناختی برگرفته از الگوی نشانه‌شناسی «فیلیپ هامون» از حیث دال (نام‌شناسی، بررسی نحوی و بلاغی)، مدلول (کنش گفتاری و رفتاری، معیار کمی و کیفی) و سطوح توصیف شخصیت (بیولوژیکی، روانی، اجتماعی و نمادین) مورد مطالعه قرار داده می‌شود و بدین ترتیب فرایند نشانه‌شناختی حضرت زکریا مورد پژوهش و تدقیق قرار بگیرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی (تحلیل محتوا) که در پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد انجام شده و روش گردآوری اطلاعات نیز اسنادی-کتابخانه‌ای است.

این پژوهش با استناد به نظریه فیلیپ هامون به بررسی شخصیت‌های روایت حضرت زکریا در قرآن کریم پرداخته و تلاش دارد تا انواع شخصیت‌ها و نحوه نقش‌آفرینی آن‌ها را تحلیل کند. همچنین، این تحقیق به دنبال آن است که بر مبنای این نظریه، دال، مدلول و سطوح توصیف شخصیت حضرت زکریا در قرآن کریم را مورد بررسی قرار دهد و چگونگی نمود این عناصر را تحلیل نماید. این پژوهش با هدف ارائه درکی عمیق‌تر از ساختار و ویژگی‌های شخصیت‌پردازی در روایت قرآنی، به تحلیل دقیق این جنبه‌ها می‌پردازد. پژوهش حاضر به بررسی شخصیت حضرت زکریا در قرآن کریم از منظر نشانه‌شناسی می‌پردازد و تلاش دارد تا با استفاده از نظریه فیلیپ هامون، دلالت‌های ادبی و مفاهیم عمیق‌تری از آیات مرتبط با

نشانه‌شناسی دانشی در لابه‌لای آثار افلاطون<sup>۱</sup> و ارسطو<sup>۲</sup>، مشاهده می‌شود؛ ارسطو در کتاب "عبارات" (پارای ارمیناس) نخستین الگوی قابل طرح در نشانه‌شناسی را بیان می‌کند: «آواهای گفتار [واژه‌ها]، نماد تأثرات روح [تصورات ذهنی] و علائم نوشتاری نماد آواهای گفتاری‌اند. آواهای گفتاری، هم‌چنین علائم نوشتاری در میان اقوام مختلف همانند نیستند؛ اما تأثرات روح که آواهای گفتار، نشانه‌ی آن‌ها هستند، هم‌چنین چیزهای واقعی که این تأثرات روح هم‌تاهای مشابه آن‌ها هستند، نزد همگان مشترک‌اند» (Mehregan, 2013)؛ و در میان متفکران مسیحی قرون وسطی نیز مباحثی در این زمینه مشاهده می‌شود. سنت آگوستین<sup>۳</sup>، در کتاب "آموزه‌های مسیحیت"، مباحث نشانه‌شناختی دیگری را مطرح کرده و از تقسیم نشانه‌ها سخن گفته است. وی از کارکردهای متفاوت نشانه‌ها بحث کرده است. همچنین او نشانه‌ها را به قراردادی و طبیعی تقسیم کرده است. نشانه‌های طبیعی، نشانه‌هایی هستند که بدون اینکه بشری تمایل یا قصد کند که آن‌ها بر چیزی دلالت کنند، ما را از چیزی غیر از خودشان آگاه می‌کنند؛ مانند دود که بدون اراده و قصد ما، بر آتش دلالت دارد. در مقابل، نشانه‌های قراردادی، بر طبق اراده‌ی ما چیز دیگر را نشان می‌دهند (قائم‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۴). نشانه‌شناسی جدید، دو بنیان‌گذار دارد: فردینان دو سوسور و چارلز ساندرس پیرس. اگرچه آن‌ها هم‌عصر بودند؛ اما هیچ‌یک از آن دو از کار دیگری خبر نداشت و همین امر باعث شد که از همان ابتدا دو گرایش متفاوت در نشانه‌شناسی پیدا شود: یکی نشانه‌شناسی فلسفی پیرس و دیگری نشانه‌شناسی سوسور. نشانه‌شناسی پیرس، رنگ فلسفی داشت و کمتر بر زبان‌شناسی تأثیر نهاد؛ ولی نشانه‌شناسی سوسور، عملاً به بزرگ‌ترین مکتب زبان‌شناختی تبدیل شد و در بررسی زبان نقش عمده‌ای ایفا کرد (Ghaemini, 2014).

<sup>3</sup> St. Augustine.

<sup>1</sup> platon

<sup>2</sup> Arastu

بانویی است که نامش به‌طور صریح در قرآن ذکر شده و در سوره‌های مختلفی از زندگانی ایشان سخن گفته شده است. این نام نمایانگر ویژگی‌های شخصیتی ایشان از جمله روح عبادت، لطافت و انعطاف‌پذیری است که در متن قرآن نیز به‌خوبی بازتاب یافته است. در این پژوهش، شخصیت حضرت زکریا با استفاده از الگوی هامون مورد تحلیل قرار گرفته است تا بتوان با بهره‌گیری از دانش نشانه‌شناسی، ابعاد تازه‌ای از مفاهیم قرآنی را روشن کرد.

## ۲. چارچوب مفهومی

### ۲-۲. نظریهٔ هامون

نشانه‌شناسی شخصیت حضرت زکریا در قرآن کریم یکی از موضوعات مهم و جالب در مطالعات دینی و تفسیری است. این تحقیق بر اساس نظریه هامون به بررسی و تحلیل شخصیت ایشان می‌پردازد و با استفاده از روش‌های علمی و تحلیلی، داده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. حضرت زکریا به عنوان یکی از پیامبران الهی، نقشی برجسته در تاریخ انبیا و آموزه‌های دینی دارد و مطالعه شخصیت ایشان می‌تواند ابعاد جدیدی از پیام‌ها و آموزه‌های قرآنی را روشن کند.

فیلیپ هامون، نشانه‌شناس معاصر فرانسوی است. وی در مقاله‌ای که با عنوان "وضعیت نشانه‌شناسی شخصیت" ارائه کرد، آراء و نظرات خود را پیرامون نشانه‌شناسی شخصیت بیان نمود. از منظر فیلیپ هامون، در نظر گرفتن شخصیت به‌عنوان یک نشانه، به معنای انتخاب یک "دیدگاه" و ادغام آن با پیام مشخص و متشکل از نشانه‌های زبانشناسی برای ساخت یک شیء یا یک هدف است (به جای قبول داده‌های حاصل از نقد سنتی و فرهنگ متمرکز بر مفهوم "شخص" انسان)؛ به‌ویژه، این احتمال وجود دارد که یک نشانه‌شناسی شخصیت، مشکلات و محدودیت‌های فعلی نشانه‌شناسی را بپذیرد.

مفهوم شخصیت، یک مفهوم منحصرأ "ادبی" نیست؛ اصطلاح مناسب برای مفهوم مورد نظر (که یک "واحد" از نظر عملکردی تحت عنوان "شخصیت" واقع می‌شود) باید مقدم بر شکل ادبی آن (معیارهای فرهنگی و زیبایی‌شناسی) باشد؛ برای مثال، رئیس و

حضرت زکریا را آشکار کند. هدف این مطالعه، کشف ابعاد جدیدی از مفاهیم قرآنی و ارائه نگاهی نو به نشانه‌ها و علائم مرتبط با این شخصیت در قرآن کریم است.

### ۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های قرآنی با رویکرد نشانه‌شناسی و شخصیت‌شناسی، به‌ویژه بر اساس نظریه فیلیپ هامون، یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی در شناخت عمیق‌تر مفاهیم قرآن کریم است. این پژوهش‌ها به بررسی ساختار، ویژگی‌ها و نقش شخصیت‌های قرآنی پرداخته و درک بهتری از پیام‌های الهی ارائه می‌دهند. ساغری زاده (۱۴۰۰) در تحقیق خود به بررسی شخصیت حضرت موسی (ع) در قرآن کریم پرداخته و از رویکرد حالت‌های نمایشی بهره گرفته است. این پژوهش با تمرکز بر داستان‌های قرآنی مرتبط با حضرت موسی (ع)، ابعاد مختلف شخصیتی ایشان را از منظر جسمی، روانی، اجتماعی، اعتقادی و معنوی تحلیل می‌کند. همچنین، با تأکید بر عنصر گفت‌وگو به‌عنوان یکی از عناصر مهم نمایش، حالت‌های گفتار و حس ادای دیالوگ‌های حضرت موسی (ع) در صحنه‌های مختلف بررسی شده است. این تحقیق با استناد به آیات قرآن کریم و برای رفع ابهامات احتمالی از منابع روایی، تفاسیر و تاریخ نیز استفاده کرده است تا تصویری جامع‌تر از شخصیت این پیامبر بزرگ ارائه دهد. عامری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی شخصیت فرعون و حضرت یوسف (ع) پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها بر اساس نظریه فیلیپ هامون، شخصیت‌ها را از دو جنبه دال (نام، جایگاه نحوی، ضمائر و جنبه‌های بلاغی) و مدلول (صفات، کنش‌های گفتاری و رفتاری) تحلیل کرده‌اند. در پژوهش مرتبط با شخصیت حضرت یوسف (ع)، نتیجه‌گیری شده که اسم، القاب و اوصاف وی با نقش داستانی‌اش در قرآن هماهنگی دارد (Ameri, 2015). طاهرنیا و حیدری (۱۳۹۳) به بررسی ساختار نشانه‌ای شخصیت حضرت مریم (س) در قرآن کریم پرداخته است. این پژوهش با تحلیل رمزگان، توصیفات، کنش‌های رفتاری و گفتاری و کارکرد بازیگرانه، تلاش می‌کند تا فهم عمیق‌تری از شخصیت ایشان ارائه دهد. حضرت مریم (س) تنها

مدیرعامل، سهامی عام، قانون‌گذار، حکم، سود سهام، "شخصیت‌های" کم‌ویش انسان‌نما و شکل‌یافته به‌وسیله‌ی متن قوانین جاری در جامعه هستند. پروپ، در فرم‌شناسی کلمات در داستان<sup>۱</sup> به‌وضوح اشاره نموده که اشیاء و ویژگی‌ها به‌طور کامل جزو شخصیت‌ها محسوب می‌شوند: «موجودات زنده، اشیاء و ویژگی‌ها از دیدگاه یک فرم‌شناسی بر پایه‌ی عملکردهای شخصیت‌ها، باید همچون ارزش‌های مترادف و یکسان در نظر گرفته شوند». نباید فراموش کرد که مفهوم شخصیت، وابسته به یک سیستم منحصرأ نشانه‌شناسی نیست؛ هنر پانتومیم، تئاتر، فیلم، مراسم آیینی و داستان‌های مصور، «شخصیت‌ها» را نمایش می‌دهند (Hamon, 1972).

از نگاه فیلیپ هامون، یک نقد نشانه‌شناسانه در ادبیات، این ویژگی‌ها را بایستی داشته باشد: الف- در یک فرایند مداخله‌ای ارتباطی وارد شود. ب- با دست‌کاری، آن را به دسته‌های کوچکی از واحدهای مجزا/ مستقل و نشانه‌ها (یک واژه) تبدیل نماید. ج- به‌وسیله‌ی تعداد محدودی از قوانین دستور زبانی (نحو)، کیفیت و طریقه‌ی گردآمدن و ترکیب آن واژگان تعریف شود. د- باید مستقل از بی‌نهایتی و پیچیدگی پیام‌های ساخته‌شده باشد و خودش تولیدکننده باشد (Hamon, 1972).

یک زبان (طبیعی یا مصنوعی)، به این چهار وضعیت پاسخ می‌دهد. با این حال، این را می‌دانیم که زبان‌شناسی (زبان‌شناسی نشانه، در معنای محدود)، واحدهای کوچک‌شده را تعریف و دست‌کاری می‌کند (صفات مربوطه، واج‌ها، تکواژها، عبارات اسمی و...)؛ در حالی که یک نظریه‌ی شخصیت (کامل‌شده در بطن یک گفتمان زبانی)، بدون شک باید در دیگر انواع واحدها (صحنه، عبارات روایی، متن، بازیگری و...) توسعه یابد (Hamon, 1972). معیار کمی توجه کردن به اطلاعاتی است که پی‌درپی و به‌وضوح پیرامون شخصیت ارائه می‌گردد. این معیار، معیار مناسبی برای

<sup>۱</sup> (پاریس، انتشارات سوی، ۱۹۷۰؛ ۱۰۰)

مشخص نمودن میزان وضوح و شفافیت شخصیت است. قانونی برای این معیار در نظر گرفته نشده و نویسنده آزاد است تمامی اطلاعات را در ابتدای رمان، پیش روی خواننده بگذارد و یا آن اطلاعات را کم‌کم به خواننده عرضه کند (Bahrawi, 1990). معیار کیفی نیز توجه و پرسش نمودن از این امر هست که اطلاعات به دست آمده پیرامون شخصیت، آیا به صورت مستقیم (توسط خود شخصیت) بوده؟ یا به روش غیر مستقیم و توسط سایر شخصیت‌ها یا خود مؤلف و راوی ارائه شده است؟.

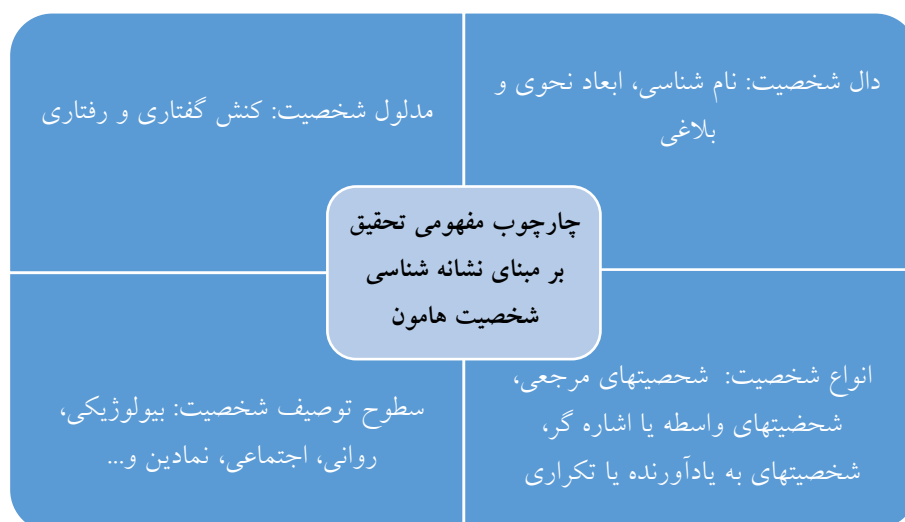
شخصیت به‌مثابه‌ی دال؛ فیلیپ هامون بین اسم شخصیت به عنوان یک علامت لغوی و مسمای شخصیت در رمان تفاوت قائل می‌شود. وی معتقد است اسم، علامتی نیست که بر ارتباطی اتفاقی بین دال و مدلول مبتنی باشد بلکه بر ارتباطی قراردادی بین دال و مدلول متکی است (Bahrawi, 1990).

هامون روش‌های دست‌یافتن به دال شخصیت را موارد زیر می‌داند: الف) توجه نمودن به علامت‌های دیداری: مثلاً حرف انگلیسی (B)؛ بر شخصیتی تنومند و چاق دلالت دارد و حرف انگلیسی (i)؛ بر شخصیتی لاغر و بلندقد دلالت دارد؛ ب) توجه کردن به علامت‌های شنیداری از جمله نرمی و یا خشونت ناشی از تلفظ حروف اسامی؛ ج) توجه به ساختار صرفی و اشتقاقی اسامی شخصیت‌ها (Hamon, 1990). هامون شخصیت دال را علاوه بر اسم خاص (علم)، از طریق ضمیر و تأکید بر بعد بلاغی آن اسم نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. البته یاد این نکته خالی از لطف نیست که داستان‌های قرآنی منقولات تاریخی هستند، بنابراین شخصیت‌های موجود در آن نیز تاریخی و واقعی هستند. به همین جهت امکان این نیست که نام شخصیت‌های در قرآن و بررسی ارتباط علامت‌های دیداری و شنیداری آن با کارکرد آن شخصیت‌ها را نظیر داستان‌های انسانی دانست، زیرا در داستان‌های ساخت انسان، احتمال آن می‌رود که نویسنده با توجه به فضای داستان اقدام به انتخاب نام شخصیت‌ها بنماید و در نتیجه میان

در نهایت برای بررسی نشانه‌شناسانه شخصیت زکریا از منظر نظریه هامون در قرآن، چهار بعد سنجیده می‌شود که این چهار بعد هر یک قسمی از شخصیت فرد را در قالب داستان/روایت واکاوی می‌کند و به بررسی سطوح مختلف او در داستان می‌پردازد، این سطوح هم سطح عینی را در برمی‌گیرد و هم ذهنی، هم از منظر خواننده و هم از منظر نویسنده، هم گفتاری و هم رفتاری، هم ظاهری (دالی) و هم محتوایی (مدلولی). به این روش هامون سعی کرده شخصیت داستان را از طریق ادبی پی‌گیری کند و با یک روش شناس متفاوت ادبی در قالب نشانه‌شناسی شخصیت، سعی در بررسی ابعاد گوناگون شخصیت‌های درون داستان‌ها را دارد. به صورت شماتیک چارچوب مفهومی این پژوهش را می‌توان در شکل زیر دید.

نام و کارکرد داستانی شخصیت‌ها ارتباط و هماهنگی برقرار کند. در حالی که این امر در قصص قرآنی - با عنایت به تاریخی و واقعی بودن قصص قرآن - امکان‌پذیر نیست.

سطوح توصیف شخصیت؛ از نظر هامون «علاوه بر آنکه می‌توان شخصیت را به عنوان مدلول اعتبار نمود، می‌توان آن را علامتی چندپاره و غیرمتصل یا به هم پیوسته دانست یعنی می‌توان آن را به صورت تکه تکه و یا مرکب توصیف نمود که این اقدام "سطح‌های وصف شخصیت" نامیده می‌شود» (Hamon, 1990) به عنوان مثال می‌توان شخصیتی را که در داستانی روایت شده است به ابعاد فیزیولوژیکی (ظاهری)، روانی، اجتماعی، نمادین و... تقسیم کرد و به صفات او پی برد (Salehi & Shahpasand, 2021).



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

(Dekhoda, 1998). قرآن کریم نیز واژه شخصیت را با الفاظی مانند شاکله، قلب، صدر، نفس، عقل و روح به کار برده است (Salari-Far et al., 2011). شخصیت در زبان لاتین «پرسونالیت»<sup>۱</sup> و در زبان انگلوساکسون «پرسونالیتی»<sup>۲</sup> خوانده می‌شود که از ریشه لاتین «پرسونا»<sup>۳</sup> گرفته شده است، اما شخصیت در معنای

### ۳. ساختار نشانه‌ای شخصیت زکریا در قرآن

#### ۳-۱. شخصیت زکریا در قرآن

شخصیت در لغت عبارت است از: «شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه، صاحب وجودی، وجود، منش، ملاطفت، نجابت» (Dekhoda, 1998; Moein, 1996). شخصیت به معنای ذات هر شخص و خلق و خوی مخصوص هر کس است. به عبارت دیگر، شخصیت عبارت است از: مجموع نفسانیات هر فرد

<sup>3</sup> persona

<sup>1</sup> personality

<sup>2</sup> personality

### ۲-۳. شخصیت حضرت زکریا به مثابه دال

تحلیل شخصیت حضرت زکریا (ع) به مثابه یک دال در ادامه به عنوان یکی از قسمت‌های مدل فلیپ هامون مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در سه بخش ویژگی‌های صرفی و اشتقاقی، جایگاه نحوی و بعد بلاغی ارائه خواهد شد. این قسمت شامل بررسی ویژگی‌های صرفی و اشتقاقی نام زکریا، جایگاه نحوی نام زکریا در قرآن کریم، جایگاه ضمائر و اسماء اشاره مرتبط با نام زکریا و بعد بلاغی نام زکریا می‌شود که در ادامه هر کدام مفصل بررسی می‌گردد.

#### ۲-۱. ویژگی‌های صرفی و اشتقاقی زکریا (ع)

نام زکریا، واژه‌ای است است عبری זְכַרְיָהּ

که از دو جزء اصلی تشکیل شده است: (Zakariyā)

۱. זָכַר (zākar) «به معنای یاد کردن»

۲. יָהּ (Yah) صورت کوتاه شده از «یهوه»، یعنی نام خاص خداوند در زبان عبری.

بر این اساس، این نام به معنای «خداوند یاد کرده است» یا «کسی که مورد یاد خدا قرار گرفته» می‌باشد (BDB, ۱۹۰۶م: ۲۷۱)

این واژه عبری با ریشه «ذ-ک-ر» در زبان عربی خویشاوند است و همین تقارن معنایی، تطبیق نام را در ساختار زبان عربی نیز معنادار ساخته است. در زبان عبری، حرف «ذال» وجود ندارد و از این رو واژه‌هایی که در عربی با ذال (ذ) آغاز می‌شوند، در عبری با «ز» (زین) تلفظ می‌شوند.

به‌طور کلی، نام «زکریا» در قرآن نه صرفاً شناسنامه‌ای تاریخی، بلکه حامل معنایی معرفتی است: نشانه‌ای از یادآوری خدا از بنده‌ای ذاکر و برقراری نوعی رابطه دو سویه بین «ذکر» بنده و «ذکر» الهی که بنیاد معرفت‌شناسی توحیدی را در ساحت دعا و اجابت تبیین می‌کند.

نام «زکریا» بازتابی معنادار از محتوای داستانی و شخصیتی او در قرآن است، پیامبری که در اوج نیاز، با نهایت خشوع و خضوع، به ذکر و یاد خدا می‌پردازد و در مقابل، مورد یاد و عنایت ویژه پروردگار قرار می‌گیرد. در آیه ۲ سوره مریم آمده است: «ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا»، یعنی «یاد کن رحمت پروردگارت را بر بنده‌اش زکریا». این

اصطلاحی آن با توجه به کارکردی که دارد معانی متفاوتی به خود می‌گیرد.

نام زکریا (ع) هفت بار در قرآن کریم ذکر شده و در چهار سوره آل عمران، مریم، انبیاء و انعام از ایشان یاد شده است. آیات مرتبط با زکریا (ع) در سوره‌های آل عمران، مریم و انبیاء عمدتاً بر دعای ایشان برای درخواست فرزندی صالح و نسلی پاک متمرکز است. این آیات، گفت‌وگوی معنوی میان زکریا (ع) و خداوند متعال را به تصویر می‌کشند و نشان‌دهنده استجاب دعای ایشان از سوی پروردگار با بشارت به تولد فرزندی صالح به نام یحیی (ع) هستند. در سوره آل عمران، علاوه بر موضوع دعای حضرت زکریا (ع)، به نقش ایشان در کفالت مریم (علیها السلام) نیز اشاره شده است. این مسئولیت، جایگاه ویژه ایشان را در حفظ و تربیت یکی از پاک‌ترین شخصیت‌های تاریخ الهی برجسته می‌سازد. در سوره مریم، گفت‌وگوی میان زکریا (ع) و خداوند با جزئیات بیشتری شرح داده شده است. این سوره، مراحل دعا، بشارت الهی، و واکنش‌های زکریا (ع) را با ظرافت و عمق به نمایش می‌گذارد، که نشان‌دهنده ایمان راسخ ایشان و لطف بی‌کران الهی است. در مقابل، در سوره انعام، نام زکریا صرفاً در کنار دیگر پیامبران ذکر شده است: «وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ» (انعام/۸۵) این آیه، با قرار دادن زکریا (ع) در کنار پیامبرانی چون یحیی، عیسی و الیاس (علیهم السلام)، بر جایگاه والای ایشان در زمره صالحان تأکید دارد. این ذکر مختصر، بدون اشاره به جزئیات زندگی ایشان، عظمت معنوی و مقام رفیع او را در سلسله انبیاء الهی برجسته می‌کند. همچنین در آیات مربوط به زکریا (ع)، کنش‌های گفتاری و رفتاری ایشان بیان شده و مورد تأمل قرار گرفته است. و نیز، خداوند متعال در این آیات، به چندین صفت برجسته و ممتاز ایشان اشاره می‌نماید. صفاتی که زمینه ساز اجانب دعای زکریا (ع) در سنین پیری و موهبت فرزندی صالح گردید، که این امر بیانگر رابطه‌ی مستقیم میان مراتب کمال اخلاقی پیامبران و تحقق وعده‌های الهی در زندگی آنان است.

### ۳-۲-۲. جایگاه نحوی

نام حضرت زکریا (ع) در قرآن کریم در نقش‌های نحوی مختلفی ذکر شده که نشان‌دهنده حضور او در وقایع دینی و معنوی است. این نام در نقش‌های فاعل، مفعول به و بدل مفعول به ظاهر شده که هر کدام نمایانگر جنبه‌ای از کنش‌ها و تأثیرات او در داستان‌های قرآنی است. علاوه بر این، نقش منادی نیز به کار رفته که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم حضرت زکریا (ع) با خداوند است. جدول زیر آیات و تعداد فراوانی دقیق هر یک از این نقش‌ها را نشان می‌دهد:

تعبیر قرآنی از یک سو بیانگر توجه خاص خداوند به بنده‌اش زکریا، و از سوی دیگر آغاز روایت گفت‌وگوی صمیمانه میان او و پروردگار است. بنابراین، با بررسی دقیق آیات مرتبط با زندگی زکریا (ع) در قرآن، می‌توان دریافت که نام او نه تنها یک شناسه صرف نیست، بلکه در لایه‌های معنایی خود با کنش‌های گفتاری و رفتاری وی پیوند دارد. این هماهنگی میان نام «زکریا» با شخصیت ایشان در مقام پیامبری ذاکر و خاشع، نشان از انسجام هویتی میان زبان و سلوک دارد، چنان‌که کنش‌های زبانی وی همچون دعا، ندا، و استغاثه، و نیز رفتارهایی همچون خلوت‌گزینی و توکل، همگی با معنای اسمی او هم‌خوانی کامل دارند.

#### جدول ۱. نقش، تعداد و آیات

| نقش          | تعداد | آیات               |
|--------------|-------|--------------------|
| فاعل         | ۳     | آل عمران/۳۷، ۳۸    |
| مفعول به     | ۲     | انعام/۸۵ انبیاء/۸۹ |
| بدل مفعول به | ۱     | مریم/۲             |
| منادی        | ۱     | مریم/۷             |

#### جدول ۲. ضمائر و اسماء اشاره

| ضمیر        | نقش             | تعداد | آیات  |
|-------------|-----------------|-------|---|
| هو (مستتر)  | فاعل            | ۱۳    | آل عمران/۳۷ (۲)، ۳۸، ۳۹، ۴۱، مریم/۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ (۲) انبیاء/۸۹، آل عمران/۳۹ |
| هو (بارز)   | مبتدا           | ۱     |   |
| ه           | مضاف الیه       | ۵     | آل عمران/۳۸، مریم/۳، ۱۱، انبیاء/۸۹، ۹۰  |
|             | مجرور به حرف جر | ۳     | انبیاء/۹۰ (۳)   |
|             | مفعول به        | ۱     | آل عمران/۳۹   |
| ی           | مضاف الیه       | ۱۱    | آل عمران/۳۸، ۴۰ (۲)، ۴۱، مریم/۴ (۲)، ۵ (۲)، ۶، ۸ (۲)، انبیاء/۸۹                 |
|             | مجرور به حرف جر | ۶     | آل عمران/۳۸، ۴۰، ۴۱، مریم/۵، ۸، ۱۰  |
|             | مفعول به        | ۳     | آل عمران/۴۰، مریم/۶، انبیاء/۸۹  |
|             | اسم إنّ         | ۲     | مریم/۴، ۵   |
| ک           | مفعول به        | ۳     | آل عمران/۳۹، مریم/۷، ۹  |
|             | مضاف الیه       | ۲     | آل عمران/۴۱ (۲)   |
| أنت (مستتر) | فاعل            | ۳     | آل عمران/۴۱ (۳)   |
|             | اسم کان         | ۱     | مریم/۹  |
| أنا (مستتر) | اسم کان         | ۱     | مریم/۴  |
| تُ          | فاعل            | ۲     | مریم/۵، ۸   |
| هم          | اسم إنّ         | ۱     | انبیاء/۹۰   |
| هم (مستتر)  | اسم کان         | ۲     | انبیاء/۹۰ (۲)   |
|             | فاعل            | ۲     | انبیاء/۹۰ (۲)   |

یعقوب نبی(ع) می‌رسد و او شوهرخاله‌ی مریم(س) نیز بوده است (Tabataba'i, 2010).

شغل زکریا(ع) بنابر نقل مشهور نجاری بود و در معبد سلیمان به‌عنوان یکی از خادمان اصلی، مسئولیت نگهداری و سرپرستی نذورات و هدایا را بر عهده داشت (Shabestari, 2000). بر همین اساس، هنگامی که مادر مریم(س) در پی تحقق نذر خویش، دختر خود را برای خدمت در معبد سپرد، سرپرستی مریم(س) با قرعه‌کشی و به مشیت الهی به زکریا(ع) واگذار شد، که حکایت‌گر جایگاه معنوی زکریا(ع) در میان قوم خویش است (Tabataba'i, 2010).

زکریا(ع) که در طول زندگی خود با مسئله نازایی همسرش مواجه بود، با وجود گذر سالیان دراز و کهولت سن، همچنان آرزوی داشتن فرزندی را در دل می‌پروراند. هنگامی که به عنوان سرپرست مریم(س)، کرامات الهی را در محراب عبادت او مشاهده کرد، این امر سبب تقویت باور قلبی و توکل کامل او به قدرت بی‌حد خداوند شد و از او درخواست فرزندی کرد که ادامه‌دهنده راه نبوت و وارث فضائل دینی او باشد (مریم ۴-۶). این دعا با استجاب الهی مواجه شد و خداوند، تولد فرزندی به نام یحیی(ع) را به او بشارت داد و چندی پس از این بشارت، مریم(س) نیز به مشیت الهی باردار شد و عیسی(ع) را به دنیا آورد.

زکریا(ع) سرانجام پس از سال‌ها زندگی، به دست قوم خویش به شهادت رسید. درباره‌ی علت این اقدام، روایات گوناگونی در منابع تاریخی و تفسیری نقل شده است، از جمله اینکه پس از به شهادت رساندن فرزندش یحیی(ع)، قوم ستمگر به زکریا(ع) نیز رحم نکردند و او را نیز به شهادت رساندند (Majlisi, 1983). در خصوص محل دفن ایشان نیز اقوال مختلفی وجود دارد: بنابر برخی منابع، مرقد مطهر وی در مسجد جامع کبیر شهر حلب در سوریه قرار دارد (Copeland, 1991) و بنا به برخی دیگر از نقل‌ها، مزاری منسوب به وی در بیت‌المقدس شناخته می‌شود (Raminnejad, 2008).

### ۳-۳-۲. کنش گفتاری زکریا(ع)

آنچه که از ضمایر پیداست این است که ۲۰ مرتبه در نقش فاعل آمده و ۳۳ مرتبه در نقش‌های کنش‌پذیری که نشانگر سطح بالای کنشگری و کنش‌پذیری زکریا(ع) می‌باشد.

### ۳-۲-۳. بعد بلاغی نام زکریا(ع):

از منظر بلاغی، می‌توان دریافت که نام زکریا(ع)، در قرآن، صرفاً یک اسم تاریخی نیست، بلکه با ساختار و محتوای داستانی مربوط به او درهم تنیده شده است. در آیه «إِذْ نَادَى رَبُّهُ زَكْرِيَّا نِدَاءً خَفِيًّا» (مریم/۳)، به‌جای ضمیر، نام صریح «زکریا» آمده و این انتخاب بلاغی نه تنها موجب تأکید معنایی می‌شود، بلکه مخاطب را به تأمل بیشتر درباره شخصیت ذاکر و خاشع او فرا می‌خواند (Ra'di, 2018).

از سوی دیگر، پیوند معنایی میان نام «زکریا» - که در اصل عبری به معنای «خدا یاد می‌کند» است - با افعالی چون دعا، ذکر، ندا و خلوت‌گزینی در ساختار آیات، نوعی هماهنگی معنادار میان نام و سلوک او ایجاد کرده که از منظر بلاغت قرآنی، مصداقی از تناسب لفظ و معنا محسوب می‌شود (Sobhani, 2006).

در مجموع، به‌کارگیری این نام در مواضع کلیدی روایت، نه فقط جنبه ارجاعی دارد بلکه از عناصر بلاغی مانند تأکید، القای انتظار، و شخصیت‌پردازی هم بهره می‌برد، عنصری که بلاغت قرآن در ساختار داستانی زکریا را تقویت می‌کند (Ra'di, 2018).

### ۳-۳-۳. شخصیت زکریا به‌مثابه مدلول

در این بخش بر اساس الگوی فلیپ هامون، به کنش‌های گفتاری و رفتاری زکریا و معیار کمی و کیفی او در روایت‌های قرآن که مرتبط با زکریا است، پرداخته خواهد شد.

### ۳-۳-۱. معیار کمی:

زکریا(ع) یکی از پیامبران بزرگ الهی از نسل بنی‌اسرائیل است که بر پایه منابع تاریخی و تفسیری، پس از بازگشت قوم بنی‌اسرائیل از اسارت در بابل به سرزمین فلسطین، خداوند متعال زکریا(ع) را به پیامبری آنان برانگیخت (Tabari, 1977, 1992; Tabarsi, 1998; Tabarsi, 1988). نسب آن حضرت به لاوی، فرزند

روزی را از کجا آورده‌ای. مریم (س) نیز با آرامش و اطمینانی برخاسته از ایمان پاسخ داد که این نعمت از جانب خداوند است و او بدون حساب و اندازه به هر که بخواهد روزی می‌رساند. این پاسخ نه تنها موجب اطمینان خاطر زکریا شد، بلکه تاییدی بود بر آنچه در دل او می‌گذشت و زمینه‌ای برای تقویت باور و دعای او در طلب فرزند را فراهم آورد. از همین رو قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

هٰذَاكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبُّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران/ ۳۸)

آن‌جا بود که زکریا پروردگارش را بخواند، گفت: پروردگارا، مرا از نزد خود فرزندی پاکیزه ببخش، که تو شنونده‌ی دعایی.

در این آیه، کنش گفتاری زکریا (ع) با خداوند در لحظه‌ای روی می‌دهد که وی شاهد تجلی قدرت خارق‌العاده الهی در قالب حضور میوه‌هایی تازه و غیر فصلی در کنار محراب مریم (س) می‌گردد. این مشاهده قلب او را سرشار از یقین می‌سازد که قدرت الهی مطلق بوده و از هیچ محدودیتی تبعیت نمی‌کند، چنان‌که اگر خداوند اراده فرماید، حتی در پیری و کهنسالی نیز می‌تواند فرزندی به او عطا کند. از همین رو، زکریا با اطمینان و امید، پروردگار خویش را می‌خواند. نکته قابل توجه آن است که درخواست وی صرفاً تقاضای فرزندی عادی نیست، بلکه با به‌کارگیری تعبیر دقیق «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً»، خواهان نسلی صالح و برخوردار از طهارت معنوی و شایستگی‌های خاص است.

از منظر واژه‌شناسی، «طَيِّب» به هر چیز پاک، خالص و سازگار با مطلوب اطلاق می‌شود، امری که در تحقق اهداف و خواسته‌ها نقش آفرین است. بنابراین، منظور زکریا (ع) از «ذریه طیبه»، فرزندی است که صفات، افعال و منش او با آنچه پدر آرزوی آن را در وجود یک فرزند دارد، هم‌راستا و سازگار باشد. در واقع، انگیزه زکریا از این درخواست، مشاهده کرامتی بود که خداوند به مریم (س) ارزانی داشته بود، لذا از درگاه الهی فرزندی را طلب می‌کند که نه تنها صالح و خالص باشد، بلکه همچون مریم، نزد خداوند دارای کرامت، شأن و شخصیت ممتاز باشد (Tabataba'i, 2010).

کنش‌های گفتاری زکریا (ع) در دو سوره آل عمران و مریم مطرح شده‌اند. آیات مرتبط با این دو سوره، در پیوندی معنادار و تکمیلی نسبت به یکدیگر قرار دارند. که به گفت و گوی ایشان با خداوند متعال اختصاص دارد. و فقط در سوره آل عمران یک مورد از کنش گفتاری زکریا (ع) با مریم (س) بیان شده است.

در آیات پیشین سوره آل عمران، روایت زندگی مریم (س) بازگو می‌شود و در ادامه در آیه ۳۷، صحبت از زکریا (ع) است که کفالت و تربیت مریم (س) را برعهده دارد. آیه چنین بیان می‌دارد

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرَأَتُ أِنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران/ ۳۷)

آنگاه پروردگارش او (مریم) را به پذیرشی نیک پذیرفت و به پرورش نیک او را پروراند و زکریا را سرپرست او گرداند. هرگاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد به نزد او رزقی می‌یافت. می‌گفت: ای مریم، این روزی برایت از کجا آمده است؟ [مریم] می‌گفت: آن از نزد خداست. خداوند هرکس را که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد

در این آیه به روشنی تصریح شده است که کفالت و سرپرستی حضرت مریم (س) بر عهده زکریا (ع) بوده است. وی به صورت مستقیم بر روند رشد، آموزش‌های دینی و سلوک عبادی مریم (س) نظارت داشته است. همین ارتباط نزدیک موجب می‌شد که هر بار زکریا (ع) به دیدار آن بانوی بزرگوار در محراب عبادت می‌شتافت، رزقی نزد او می‌یافت، رزقی که با عرف رایج در میان مردم تفاوت داشت و موجب شگفتی وی می‌گردید

واژه‌ی «رِزْقًا» در این آیه، به دلیل نداشتن معرف «ال»، دلالت بر نوعی روزی غیرمعهود و خارق‌العاده دارد، رزقی که غیرمنتظره، غیرمعمول و خارج از چارچوب‌های متعارف زندگی روزمره است (Tabataba'i, 2010).

همین امر موجب شد تا زکریا (ع)، نه از روی تردید یا انکار، بلکه از سر تعجب و شگفتی، از مریم پرسد «قال أِنِّي لَكَ هَذَا؟» یعنی این

همچنین در سوره مریم، گفت و گوهای زکریا(ع) با پروردگار و نحوه بیان درخواست‌ها و نخواست‌های درونی او با خدای متعال با وضوح و عمق بیشتری ترسیم شده است. در این سوره، زکریا(ع) با لحنی آمیخته به فروتنی و امید، استغاثه‌ای صمیمانه را با خدای خویش در میان می‌گذارد.

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (مریم/۴) وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (مریم/۵) يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (مریم/۶)

گفت: ای پروردگار من، استخوان من سست شده است. سرم از پیری، سپید شده است و هرگز از خواندنت، ای پروردگار من، خسته نبوده‌ام\* پس از مرگ خود از کسان خویش بیمناک‌ام. زن من نازاست. پس، مرا از نزد خویش فرزندی بخش\* که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد، و او را پروردگارا! [از هر جهت] مورد رضایت [خود] قرار ده.

شیوه‌ی بیان زکریا(ع) در این آیات، نمایانگر اوج خشوع، اعتماد و توکل او بر خدای متعال است، به گونه‌ای که صادقانه‌ترین درد دل خود را با معبود خویش در میان می‌گذارد. وی در توصیف ضعف جسمانی خود می‌گوید:

«وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي» در این تعبیر، «عظم» به معنای استخوان، نماد استحکام و بنیان بدن انسان است. استفاده از الف و لام در واژه «العظم» نیز دلالت بر جنس دارد، نه مفرد خاص، یعنی: «این جنس، که ستون و تکیه‌گاه پیکر انسان است، دچار سستی و ضعف شده است». این تعبیر نشان‌دهنده کاهش توان و فرسودگی تدریجی جسم زکریا(ع) در اثر گذر عمر است (Tabarsi, 1998). در ادامه، زکریا(ع) با بیانی هنرمندانه، پیری خویش را چنین توصیف می‌کند:

«وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» او سفیدی مو را نه فقط به صورت گزارش، بلکه با بهره‌گیری از یک تشبیه بلاغی عمیق بیان می‌کند. تعبیر «اشتعال» که معمولاً درباره‌ی آتش به کار می‌رود، دلالت بر گسترش سریع و همه‌جانبه دارد. در این تصویر ادبی، سفیدی موی سر همچون شعله‌ی

آتشی است که ناگهان زبانه می‌کشد، گسترش می‌یابد و تمامی سر را فرا می‌گیرد. از سویی دیگر، شعله‌ی آتش با درخشندگی‌اش جلب توجه می‌کند، اما چیزی که از آن باقی می‌ماند تنها خاکستر است (Makarem Shirazi, 1995) و این، تصویر خلاقانه‌ای از پیری است، درخششی که به خاموشی می‌انجامد. زکریا(ع) از این تشبیه برای نشان دادن شدت کهولت خود بهره می‌گیرد. با این حال، او با وجود توصیف دقیق وضعیت جسمانی‌اش، همچنان امیدوار است و یقین دارد که دعایش مستجاب خواهد شد. او در ادامه می‌گوید:

«وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» این سخن نشان‌دهنده‌ی اعتماد راسخ زکریا به سنت اجابت الهی است، و این که اکنون، با وجود پیری و ناتوانی، نه تنها امیدش کم‌رنگ نشده بلکه باور دارد که اکنون بیش از هر زمان دیگری شایسته اجابت است. از این رو، در نهایت خضوع و امید، از خدای خویش می‌خواهد که او را محروم نگرداند و دعایش را مستجاب فرماید.

در ادامه گفت و گوی زکریا(ع) با پروردگار، خداوند دعای او را مستجاب کرده و بشارت تولد فرزندی به نام یحیی را به وی می‌دهد، (مریم/۷) فرزندی که وارث معنوی و ادامه‌دهنده راه او باشد. زکریا(ع) پس از دریافت این بشارت و حیانی، بار دیگر با پروردگار به گفت و گو پرداخته و فرمود:

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (آل عمران/۴۰)

زکریا گفت: پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به من رسیده و همسرم نازاست؟ فرمود: همین طور خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلْمٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (مریم/۸)

زکریا گفت: پروردگارا! چگونه می‌توانم پسری داشته باشم، در حالی که همسرم نازاست و خودم نیز از اثر پیری ناتوان شده‌ام زکریا(ع) پس از دریافت بشارت تولد یحیی(ع)، واکنشی توأم با شگفتی و شور درونی نشان داد، چراکه این مژده برخلاف جریان

طبیعی امور بود، زیرا او به سن پیری رسیده و همسرش نیز نازا بود. در این بستر، کنش گفتاری زکریا(ع) رنگ‌وبویی از پرسش دارد، پرسشی که نه از تردید، بلکه از اشتیاق به رسیدن از مرتبه ایمان به مرتبه شهود و مشاهده سرچشمه می‌گیرد. او به قدرت لایزال الهی باور داشت، اما می‌خواست این باور قلبی را به یقین حضوری و اطمینان عینی ارتقا دهد تا قلبش آرام گیرد و تجربه‌ای ملموس از تحقق وعده الهی را درک کند.

بدین منظور، زکریا(ع) برای آن که عینیت تحقق وعده الهی را مشاهده کند و به مرتبه‌ای بالاتر از یقین دست یابد، از خداوند درخواست نشانه‌ای محسوس نمود تا از طریق آن، استجابت دعایش را به عیان دریابد و آرامش قلبی‌اش تحقق یابد

قَالَ رَبُّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمًا وَادُّرُّ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعُشِيِّ وَالْإِبْكَرِ (آل عمران/۴۱)

گفت: پروردگارا، برای من (به شکرانه این نعمت) آیتی مقرر فرما، فرمود: تو را آیت این باشد که تا سه روز با مردم سخن جز به رمز نگویی، و پیوسته به یاد خدا باش و (او را) در صبحگاه و شبانگاه تسبیح گوی.

قَالَ رَبُّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (مریم/۱۰)

گفت: الها! نشانه‌ای در این کار برای من قرار ده. فرمود: نشانه تو آن است که سه شبانه‌روز تمام توان سخن گفتن با مردم را نداری

زکریا(ع) در بیان خود از خداوند درخواست «آیه» یا نشانه‌ای می‌کند. واژه «آیه» در لغت به معنای علامتی است که دلالت بر امر یا حقیقتی خاص دارد. برخی از مفسران بر این باورند که منظور زکریا(ع) از درخواست نشانه، اطمینان از این مسئله بوده است که بشارت دریافت شده برای تولد فرزند، حقیقتاً از جانب خداوند است، نه از جانب وسوسه‌های شیطانی یا توهمات ذهنی (Tabataba'i, )

(2010). از این رو، خداوند برای تقویت یقین و آرامش قلب او، نشانه‌ای قرار می‌دهد و به او می‌فرماید که برای سه روز قادر به تکلم با مردم نخواهد بود، جز آن که با اشاره سخن گوید و زبانش تنها برای ذکر و تسبیح پروردگار گشوده خواهد بود.

تحلیل کنش‌های گفتاری زکریا(ع) در دو سوره آل عمران و مریم، بیانگر تجلی قدرت لایزال الهی و ایمان راسخ این پیامبر الهی به اراده و مشیت خداوند است. زکریا(ع) در جریان مشاهده رزق‌های شگفت‌انگیزی که برای مریم(س)، بدون وابستگی به اسباب طبیعی و در فصلی نامتناسب، فراهم شده بود، به مصداقی عینی از قدرت ماورایی خداوند دست می‌یابد، این مشاهده، موجب تقویت باور قلبی او به توانایی مطلق خداوند در تحقق امور خارق‌العاده می‌شود. بر پایه همین یقین درونی، زکریا(ع) پروردگار را ندا می‌دهد و خواستار فرزندی می‌شود، با آنکه هم خود در سن پیری قرار دارد و هم همسرش نازا است. از این منظر، کنش‌های گفتاری او در بستر معنی می‌یابند که به‌وضوح فراتر از نظام علی و معلولی جهان طبیعی است و تجلی‌ای از رحمت خاص و اراده حکیمانه الهی به شمار می‌رود

### ۳-۳-۳. کنش رفتاری زکریا(ع)

کنش‌های رفتاری حضرت زکریا(ع) در قرآن به‌طور گسترده‌ای در پیوند با دعا، ارتباط با خداوند و فعالیت‌های معنوی او بیان شده است. در آیات مختلف، حضرت زکریا(ع) در نقش یک دعا کننده (دعاء)، صلی‌خوان (یصلی)، و ندا دهنده (نادی) نمایان است. این کنش‌ها علاوه بر نمایش پیوستگی او با خداوند، به‌ویژه در مواجهه با مشکلات و درخواست‌ها از خداوند برای داشتن فرزند، تأکید دارند. کنش‌هایی مانند وارد شدن به محراب و خروج از آن، و همچنین اشاره کردن به نشانه‌های الهی، بیانگر رابطه نزدیک و معنوی او با پروردگار است. جدول زیر کنش‌های واحد و مکرر حضرت زکریا(ع) را همراه با آیات مربوط به آن‌ها نشان می‌دهد:

### جدول ۳. کنش واحد و مکرر

| کنش واحد | آیات | کنش مکرر | تعداد | آیات |
|----------|------|----------|-------|------|
|----------|------|----------|-------|------|

|                      |             |                |   |                                      |
|----------------------|-------------|----------------|---|--------------------------------------|
| دخ (وارد شد)         | آل عمران/۳۷ | قال            | ۷ | آل عمران/۳۷، ۴۰، ۴۱<br>مریم/۴، ۸، ۱۰ |
| وجد (یافت)           | آل عمران/۳۷ | نادی (ندا داد) | ۲ | مریم/۳، انبیاء/۸۹                    |
| دعاء (دعا کرد)       | آل عمران/۳۸ |                |   |                                      |
| قائم (ایستادن)       | آل عمران/۳۹ |                |   |                                      |
| یصلی (نماز می خواند) | آل عمران/۳۹ |                |   |                                      |
| خرج (خارج شد)        | مریم/۱۱     |                |   |                                      |
| اوحی (اشاره کرد)     | مریم/۱۱     |                |   |                                      |

با صدایی آهسته و از عمق جان خویش با خداوند در میان گذاشته است

در هر حال، چه در قالب کنش گفتاری «قال» و چه در شکل کنش فراخوانی و استغاثه‌ی «نادی»، ساختار گفت و گویی زکریا (ع) با خداوند به روشنی مشهود است. به ویژه پس از آن که رزق معجزه آسا را در کنار مریم (س) مشاهده کرد، بدون آن که حسادت در دل او پدید آید، این نشانه الهی را به عنوان دلیلی بر قدرت مطلق خداوند درک کرد و تنها پناهگاه و محرم اسرار دل خویش را خداوند دانست. این نحوه‌ی گفت و گو، از سویی نشانه‌ی عبودیت خالصانه و تواضع عمیق زکریا علیه السلام در برابر پروردگار است و از سوی دیگر، نمایانگر امید کامل او به اجابت الهی است.

در تحلیل کنش های واحد زکریا (ع)، هفت مورد قابل بررسی است که به بررسی آن ها پرداخته می شود.

دو فعل «دَخَلَ» و «وَجَدَ» نمایانگر دو کنش کلیدی در رفتار حضرت زکریا (ع) هستند که در بستر نقش کفالت و ارتباط معنوی او با حضرت مریم سلام الله علیها قابل تحلیل اند. در آیه شریفه «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرَأَتُ إِنِّي لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران/۳۷).

آنگاه پروردگارش او (مریم) را به پذیرشی نیک پذیرفت و به پرورشی نیک او را پروراند و زکریا را سرپرست او گرداند. هرگاه

کنش های رفتاری زکریا (ع) در قرآن کریم به دو صورت کنش های مکرر و کنش های منفرد قابل مشاهده است. در میان این کنش ها، بیشترین بسامد مربوط به کنش گفتاری با ریشه فعل «قال» است که هفت مرتبه در قرآن درباره ایشان تکرار شده و نشان دهنده ارتباط مکرر و معنادار وی با پروردگار است. بررسی آیات مرتبط با زکریا (ع) نشان می دهد که ساختار اصلی روایت زندگی ایشان بر محور گفتگوهای او با خداوند بنا شده است. بنابراین، بیشترین کنش های رفتاری زکریا (ع) در قالب افعال گفتاری چون «قال» و «نادی» ظاهر می شود، اولی بیان گر گفتار مستقیم و دومی ناظر بر ندا سردادن و خواندن خداوند است.

آیاتی که فعل «قال» در آن ها به کار رفته، به دلیل ماهیت گفتاری بودن این کنش، در بخش پیشین مورد تحلیل قرار گرفت. و در دو آیه «إِذِ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا» (مریم/۳)

«وَزَكَرِيَّا إِذِ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَّا تَدْرِنِي قَدْ وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (انبیاء/۸۹) فعل «نادی» در دو آیه ذکر شده، کنشی است هم ردیف با «قال» و نشان دهنده آن است که زکریا (ع) با پروردگار خود به گفت و گو پرداخته و او را ندا داده است. راغب اصفهانی در مفردات، واژه «ندا» را به معنای بلند شدن و ظاهر شدن صدا دانسته و گاه این واژه را صرفاً به معنای صدا نیز می داند. با این حال، قرینه‌ی واژه‌ی «خَفِيًّا» در آیه‌ی «إِذِ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا» (مریم: ۳)، بیانگر آن است که زکریا (ع) این ندا را نه در جمع، بلکه در خلوت و دور از انظار مردم،

زکریا در محراب بر او وارد می‌شد به نزد او رزقی می‌یافت. می‌گفت: ای مریم، این روزی برایت از کجا آمده است؟ [مریم] می‌گفت: آن از نزد خداست. خداوند هر کس را که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد و اژه «دَخَلَ» فعلی ارادی و تکرارشونده است که حضور مستمر و متعهدانه‌ی زکریا (ع) را در مقام سرپرست و ناظر محراب عبادت مریم نشان می‌دهد. که با تأکید «كُلَّمَا» به معنای تکرار، نشان‌دهنده ورود مستمر او به محراب عبادت مریم (س) است این رفتار، نشانه‌ای روشن از ایفای نقش کفالت زکریا (ع) بر مریم است، مسئولیتی که در همین آیه به‌عنوان تکلیفی الهی بر عهده او گذاشته شده است. در مقابل، «وَجَدَ» فعلی ادراکی و غیرارادی است که مشاهده‌ی مستقیم رزق‌های خارق‌العاده در کنار مریم را توصیف می‌کند، مشاهداتی که برخلاف نظم طبیعی، زکریا (ع) را به تأمل، شگفتی و درک تازه‌ای از قدرت الهی وامی‌دارد.

ترکیب این دو کنش، یکی ارادی و دیگری ادراکی، تصویری عمیق از شخصیت زکریا (ع) ترسیم می‌کند که در آن، مسئولیت‌پذیری، حضور معنوی، و آمادگی برای مواجهه با نشانه‌های الهی به‌وضوح مشاهده می‌شود. این تجربه‌ی شگرف، مقدمه‌ای برای تحول روحی زکریا (ع) و دعای او برای درخواست فرزند و دریافت فیض الهی است.

در آیه‌ی بعد، دعای زکریا (ع) و درخواست او از پروردگار بیان شده است. «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران/ ۳۸)» آن‌جا بود که زکریا پروردگارش را بخواند، گفت: پروردگارا، مرا از نزد خود فرزندی پاکیزه ببخش، که تو شنونده‌ی دعایی.

فعل «دَعَا» در این آیه، نشان‌دهنده‌ی کنشی رفتاری از سوی زکریا (ع) است، کنشی که در قالب دعایی خالصانه و هدفمند، بانیّت درخواست فرزندی پاکیزه صورت می‌گیرد. این دعا، پس از مشاهده‌ی کرامات الهی نزد مریم (س) در آیه‌ی پیشین مطرح می‌شود و حاکی از ایمان عمیق زکریا، اعتماد او به قدرت بی‌کران خداوند، و آمادگی برای دریافت فیض الهی است. این نوع کنش زکریا در

قلب زکریا دعا کردن، نه صرفاً بیانگر یک خواست شخصی، بلکه نمود بارزی از مسئولیت‌پذیری او در راستای حفظ میراث نبوت و تداوم جریان هدایت الهی در میان امت است

استجابت دعای زکریا علیه‌السلام در زمانی واقع شد که وی در محراب به اقامه‌ی نماز مشغول بود. «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/ ۳۹)

پس فرشتگان او را در حالی که در محراب به نماز ایستاده بودند ندا کردند: خداوند تو را مژده می‌دهد به یحیی که تصدیق‌کننده‌ی کلمه‌ای از خدا (عیسی بن مریم) و مهتر و خویش‌نمدار و پیامبری از شایستگان است

فعل «قَائِمٌ» از ریشه‌ی «قَامَ» به معنای ایستادن و برخاستن است و در این آیه به حالت ایستاده‌ی زکریا در محراب اشاره دارد، که همان قیام در نماز بوده و یکی از ارکان اصلی نماز به شمار می‌رود. این فعل بیانگر وضعیت جسمانی زکریا در هنگام عبادت است و به نوعی آمادگی معنوی او را برای دریافت وحی نشان می‌دهد. کنش دیگر زکریا در فعل «يُصَلِّي» متجلی شده است، این فعل مضارع از ریشه «صَلَّى» به معنای نماز خواندن، دعا، نیایش و عبادت است (Raghib Isfahani, 1995) ترکیب دو فعل «وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي» دلالت دارد بر این که زکریا (ع) در حالت ایستاده نماز می‌خوانده (طبرسی، بی تا: ۵۶/۴) و عمل عبادت را به طور کامل و با آداب انجام می‌داده است، نه صرفاً دعا می‌کرده است. این وضعیت عبادی و کنش معنوی مستمر و هدفمند، زمینه‌ساز نزول بشارت الهی و تحقق وعده‌ی الهی به وی گردید

بر این اساس، استجابت دعای زکریا را می‌توان نتیجه‌ی کنش‌های معنادار و ارادی او در بستر عبادت دانست، کنش‌هایی که از باور قلبی، اعتماد به قدرت خداوند، و احساس مسئولیت در قبال استمرار هدایت الهی سرچشمه می‌گیرند.

پس از آنکه زکریا (ع) بشارت تولد یحیی را دریافت کرد، از محراب عبادتش خارج شد و به سوی قوم خود رفت. وی با اشاره، آنان را به

تسبیح خداوند در صبح و شام فراخواند. «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (مریم/۱۱) پس زکریا در حالی که از محراب (عبادت) بر قومش بیرون آمد به آنان اشاره کرد که صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید

فعل «خَرَجَ» در این آیه نشانگر یک کنش رفتاری مهم است که بر «خارج شدن و بیرون آمدن» زکریا(ع) از محل عبادت و راز و نیاز با پروردگار به سوی حضور در میان قوم خود دلالت دارد. این کنش رفتاری از آن جهت قابل توجه است که زکریا(ع) بشارت را در همان محرابی دریافت کرده بود که محل راز و نیاز و عبادت او بود، و بلافاصله پس از آن، با شادی و شوق معنوی از آن مکان خارج شد تا این موهبت الهی را با قوم خویش در میان گذارد. از آنجا که نعمتی که به او عطا شده بود، جنبه‌ای فراتر از زندگی شخصی‌اش داشت و در سرنوشت آینده جامعه نیز اثرگذار بود، سزاوار بود که همگان در برابر این فضل الهی، به تسبیح و ستایش خداوند پردازند. افزون بر این، چنین موهبتی با توجه به شرایط طبیعی زکریا و همسرش، در شمار نعمت‌های اعجازگونه قرار می‌گرفت و به همین سبب، تسبیح خداوند نه تنها از سر شکرگزاری، بلکه به عنوان اذعان به قدرت مطلقه الهی نیز معنا می‌یافت (Makarem Shirazi, 1995).

فعل «أَوْحَى» در این آیه، به معنای «اشاره کرد» آمده و از ریشه «وحی» به معنای «الهام یا انتقال سریع و پنهانی معنا» است (Rezaei Esfahani, 2008). در اینجا، مقصود از آن، اشاره‌های غیر کلامی زکریا(ع) به مردم است، چراکه او قدرت تکلم نداشت، اما از طریق رمز و اشارات به آنان می‌فهماند که به شکرانه نعمت الهی، صبح و شام به تسبیح خداوند پردازند. این نحوه‌ی ارتباط، افزون بر آنکه پیام را منتقل می‌کرد، موجب تقویت ایمان مردم نیز می‌شد

کنش رفتاری زکریا(ع) در قالب «اشاره کردن» به عنوان جایگزینی برای گفتار، در واقع تحقق همان وعده‌ای بود که پیش‌تر از جانب خداوند به او داده شده بود، بدین صورت که نشانه اجابت دعا و تحقق بشارت الهی، آن است که زکریا برای مدت مشخصی قدرت تکلم

نخواهد داشت و تنها از طریق اشاره با مردم ارتباط برقرار خواهد کرد. این رفتار نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که ابزار معمول تبلیغ، یعنی زبان از انسان سلب می‌شود، مسئولیت پیام‌رسانی ساقط نمی‌گردد، بلکه باید از هر وسیله ممکن، حتی اشاره و نمادهای غیر کلامی، برای هدایت مردم و دعوت آنان به یاد و ستایش خداوند بهره گرفت.

بنابراین، آنچه از کنش‌های رفتاری(ع) در قرآن کریم برمی‌آید، شامل حضور مستمر در محراب، دعای خالصانه و توأم با تضرع برای طلب فرزند، پرس‌وجو از کرامات الهی نزد مریم(س)، و عبادت متمرکز در قالب نماز همراه با خشوع عمیق است، کنش‌هایی که همگی بازتاب‌دهنده ایمان راسخ، مسئولیت‌پذیری معنوی در جایگاه سرپرستی، و تسلیم کامل در برابر اراده الهی‌اند. این رفتارها در بستر الهیاتی قرآن، چهره‌ای از زکریا(ع) را به تصویر می‌کشند که به‌عنوان پیامبری متعهد، فروتن و برخوردار از ارتباطی ژرف با پروردگار معرفی می‌شود، شخصیتی که از مسیر عبادت و نیایش، زمینه‌ساز دریافت بشارت الهی و وقوع معجزه‌آسای تولد یحیی می‌گردد

### ۳-۴. سطوح توصیف شخصیت زکریا

شخصیت حضرت زکریا (ع) در قرآن کریم از ابعاد مختلف فیزیولوژیکی، روانی، اجتماعی و نمادین توصیف شده است. در سطح فیزیولوژیکی، او به‌عنوان مذکر و پیر معرفی می‌شود که در دوره‌ای از زندگی‌اش در موقعیت چالش‌برانگیز و طلب حاجت از خداوند قرار دارد. در سطح روانی، ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، عابد بودن، خاشع بودن و دعا کننده با رغبت و رهبت بر شخصیت معنوی و اخلاقی او تأکید می‌کند. در سطح اجتماعی، حضرت زکریا به‌عنوان یک پیامبر و مورد اعتماد معرفی می‌شود که مسئولیت هدایت قوم خود را بر عهده دارد و در سطح نمادین، او نماد استجاب دعا در پیری و شتاب در انجام کارهای خیر است. جدول زیر این سطوح مختلف توصیف شخصیت حضرت زکریا (ع) را همراه با آیات مربوطه به‌طور خلاصه نشان می‌دهد:

### جدول ۴. بررسی ظاهری، روانی، اجتماعی و نمادین

| فیزیولوژیک/ظاهری | آیات                  | روانی                          | آیات        | اجتماعی      | آیات        | نمادین      | آیات          |
|------------------|-----------------------|--------------------------------|-------------|--------------|-------------|-------------|---------------|
| مذکر             | سیاق کلی آیات         | مسئولیت پذیر                   | آل عمران/۳۷ | پیامبر       | سیاق کلی    | استجاب      | ۹۰/انبیاء     |
| پیر              | مریم/۴<br>آل عمران/۴۰ | عابد                           | آل عمران/۳۹ | مسئولیت پذیر | مریم/۱۱     | دعا در پیری | سیاق کلی آیات |
|                  |                       | شتاب کننده<br>در کارهای<br>خیر | انبیاء/۹۰   | مورد اعتماد  | آل عمران/۳۷ |             |               |
|                  |                       | دعا کننده با<br>رغبت و رهبت    | انبیاء/۹۰   |              |             |             |               |
|                  |                       | خاشع                           | انبیاء/۹۰   |              |             |             |               |
|                  |                       | صالح                           | انعام/۸۵    |              |             |             |               |

### نتیجه گیری

شخصیت زکریا(ع) در قرآن کریم، واجد ابعاد روان شناختی متعددی است که از لابه لای آیات، در سوره های آل عمران، مریم، انعام و انبیاء قابل استخراج و تحلیل است. یکی از نخستین ویژگی های بارز ایشان، احساس مسئولیت پذیری است به گونه ای که در آیه ۳۷ سوره آل عمران از کفالت مریم(س) توسط زکریا(ع) یاد می کند. تعبیر «کَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ» گویای پیوستگی و حضور مکرر ایشان در محراب عبادت مریم(س) است، که نه تنها مسئولیت پذیری بلکه نظارت مستمر، دلسوزی، و مراقبت الهی را در شخصیت ایشان نشان می دهد.

ویژگی برجسته دیگر ایشان، انس با عبادت و راز و نیاز با خداوند است. بنابر آیات قرآن، زکریا(ع) گفت و گوی خود را با پروردگار در فضای معنوی محراب انجام می دادند، و بشارت الهی را نیز در حالی دریافت کرد که در حال قیام برای نماز بود(آل عمران/۳۹)، این امر نشانگر روحیه عمیق عبادی و آمادگی معنوی ایشان برای دریافت الطاف الهی است.

علاوه بر این، ذهن تحلیل گر و نگرش تأملی زکریا(ع) قابل توجه است. هنگامی که مشاهده کرد خداوند متعال روزی فوق طبیعی را برای مریم (س) فراهم می سازد، از این رخداد الهی نتیجه گرفت که قدرت پروردگار می تواند در پیری نیز ایشان را صاحب فرزند نماید.(آل عمران/۳۸) این نوع نگاه، نشان از نوعی عقلانیت مؤمنانه در شخصیت ایشان دارد که تجربه و ایمان را در کنار یکدیگر قرار می دهد.

همچنین سه ویژگی بنیادین زکریا(ع) از منظر روان شناختی، زمینه ساز اجابت دعای ایشان قرار گرفت. قرآن کریم در این باره چنین بیان می دارد: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ»(انبیاء/۹۰)

پس خواسته او را اجابت نمودیم و به او یحیی را عطا کردیم و همسرش را برای او شایسته [اولاد دار شدن] گردانیدیم؛ زیرا آنها به اعمال خیر می شتافتند و ما را همراه با بیم و امید می خواندند و [همواره] برای ما فروتن بودند

در این آیه، سه خصلت اساسی در رفتار دینی و روانی زکریا(ع) ذکر شده است:

مورد اول مسارعت در خیرات است، فعل «یسارعون» نشان‌دهنده حالتی فراتر از انجام صرف اعمال نیک است، این تعبیر، نوعی اشتیاق درونی، شتاب مؤمنانه و پیشی گرفتن از دیگران در کارهای خیر را به تصویر می‌کشد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۱۴/۱۳) این ویژگی، از منظر روان‌شناختی نشانگر شخصیت فعال، با انگیزش بالا و دارای هدف‌مندی در انجام اعمال خیر است.

مورد دوم دعای همراه با رغبت و رهبت است، ترکیب «رَغَبًا وَرَهَبًا» دلالت بر تعادل روانی میان امید و ترس دارد. زکریا(ع) نه تنها با اشتیاق و امیدواری به رحمت الهی دعا می‌کرد، بلکه در عین حال، خوف از عظمت و عدالت الهی را نیز در دل داشت. و به خاطر عشق به طاعت و وحشت از گناه در همه حال خدا را می‌خواند

و در نهایت ویژگی سوم خشوع است تعبیر «خاشعین» به معنای حالت تواضع، فروتنی و تمرکز درونی در برابر خداوند است. این حالت، از نظر روان‌شناسی دینی، ریشه در آگاهی از عظمت خدا و کوچکی انسان دارد. خشوع نشانه‌ای از فروتنی معرفتی، حضور قلب در عبادت و نفی خودمحوری است (Tabarsi, 1998; Tabarsi, 1988).

در مجموع، آیه ۹۰ سوره انبیاء ابعاد درونی و روان‌شناختی شخصیت زکریا (ع) را به روشنی ترسیم می‌نماید. در این آیه، خداوند به‌صراحت بیان می‌کند که اجابت دعای زکریا صرفاً به دلیل بیان لفظی دعا نبوده، بلکه نتیجه برخورداری او از سه ویژگی بنیادین شخصیتی بوده است: پویایی در عمل (مسارعت در خیرات)، تعادل در احساس (دعا همراه با رغبت و رهبت)، و تواضع در عبادت (خشوع). صورت گرفته است.

آخرین ویژگی برجسته‌ای که در ارتباط با شخصیت زکریا(ع) در قرآن کریم مطرح شده، در آیه ۸۵ سوره انعام بیان گردیده است: «وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ اِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ»

و نیز زکریا و یحیی و عیسی و الیاس که همگی از شایستگان بودند

در این بیان الهی، زکریا(ع) در کنار دیگر پیامبران، به عنوان یکی از «صالحان» معرفی شده است. مفهوم «صالح» در قرآن فراتر از صرف انجام اعمال نیک است و به جایگاهی وجودی، اخلاقی و روانی اشاره دارد که بر پایه ایمان راسخ، عمل مخلصانه و سلامت درونی استوار است. به عبارت دیگر، در فرهنگ قرآن، تفاوت بنیادینی میان «داشتن عمل صالح» و «صالح بودن» وجود دارد، صالح بودن به معنای گوهری ذاتی و وجودی است که بر شخصیت و حقیقت فرد دلالت دارد. شخصیت زکریا(ع) نیز در پرتو این گوهریت و توازن درونی، به جایگاهی والا رسیده است که توسط خداوند متعال تأیید و تحسین شده است.

از منظر اجتماعی، زکریا(ع) پیامبری با جایگاه اجتماعی و هدایت‌گری در میان قوم خویش است. یکی از جلوه‌های مهم شخصیت اجتماعی او، پذیرش کفالت مریم(س) است (آل عمران/ ۳۷). این مسئولیت، نشانگر اعتماد عمومی به شخصیت ایشان و نیز ایفای نقش تربیتی و حمایتی در یک نهاد دینی است.

بعد دیگر از شخصیت اجتماعی(ع) در آیه ۱۱ سوره مریم تجلی می‌یابد، جایی که پس از دریافت بشارت الهی مبنی بر تولد یحیی(ع)، از محراب خارج می‌شود و با اشاره‌ای نمادین، قوم خود را به تسبیح خداوند در بامداد و شام فرا می‌خواند. این اقدام، علاوه بر معنای عبادی، نمایانگر مسئولیت‌پذیری عمیق زکریا(ع) به عنوان پیامبر در قبال جامعه خویش است. زکریا(ع) این بشارت را نه صرفاً یک رخداد فردی، بلکه رویدادی با اثرگذاری اجتماعی مهم می‌داند، زیرا تولد یحیی(ع) به عنوان وارث پیامبری، نقشی حیاتی در تحولات دینی و اجتماعی قوم دارد. از این رو، دعوت عمومی به ذکر و تسبیح، شکل عملی شکرگزاری جمعی و تأکیدی بر انسجام دینی و اجتماعی جامعه است.

با بررسی آیات مربوط به زکریا(ع) در قرآن، آنچه نمادین به نظر می‌رسد، استجابت دعای او در پیری است که نمادی از امید و تحقق وعده‌های الهی در شرایط غیرممکن است. این رخداد فراتر از یک

سرشار؛ در گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (تهران) است.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## EXTENDED ABSTRACT

The semiotic study of Qur'anic characters has emerged as an important interpretive methodology that moves beyond classical exegesis toward a nuanced reading of narrative structures, symbolic layers, and linguistic sign-systems. Within this framework, the character of Prophet Zakariyya occupies a distinct position as a narrative sign that embodies theological, spiritual, and pedagogical meanings expressed through a system of Qur'anic signifiers and signifieds. The theoretical bases of semiotics, traced from early reflections of Plato and Aristotle to modern formulations in Saussurean linguistics and Peircean philosophy, have provided an analytical foundation for examining the Qur'an as a text structured by symbolic networks and layered significations. As the Islamic scholarly tradition further integrated notions of signs, indicators, and meanings into its discourse, the sophistication of sign-based hermeneutics deepened. In modern scholarship, this trajectory is connected to studies that emphasize the Qur'an's reliance on linguistic, symbolic, and narrative mechanisms to communicate transcendent meanings. Semiotic approaches in contemporary Qur'anic studies engage both the linguistic form of revelation and the conceptual content that the narrative structure conveys (Mehregan, 2013). In this context, the contributions of prominent medieval thinkers who classified signs into natural, conventional, intentional, and interpretive categories enriched the semantic understanding of language and its symbolic implications, building a foundation for subsequent inquiries into Qur'anic signification (Ghaeminiya, 2014). Thus, the story of Zakariyya emerges as a site where the convergence

واقعۀ فردی، نمایانگر ایمان پایدار و توکل عمیق است که نشان می‌دهد قدرت خداوند فراتر از محدودیت‌های طبیعی است.

## مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از رسالۀ دکتری محدثه مقیم با عنوان: «نشانه‌شناسی شخصیت پیامبران غیر اولوالعزم در قرآن»، استاد راهنمای اول: علی باقر طاهری‌نیا، استاد راهنمای دوم: آزاده عباسی، استاد مشاور: مژگان

of linguistic form, narrative function, and symbolic representation can be systematically studied. The present extended abstract situates Zakariyya's portrayal within the semiotic model of Philippe Hamon, whose structural analysis of character offers a methodological apparatus for disentangling the interrelation of signifier, signified, and descriptive levels of characterization. By examining the morphological structure of his name, the syntactic distribution of the term, the rhetorical force of its placement, and the embedded set of verbal and behavioral actions, the study exposes how Qur'anic discourse constructs Zakariyya not merely as a historical figure but as a multilayered symbol embodying remembrance, supplication, purity, and divine favor. Such an analytical approach highlights the Qur'an's sophisticated narrative architecture and illuminates the mechanisms through which divine discourse shapes prophetic identity.

Philippe Hamon's theory of character semiotics provides the conceptual framework for analyzing Zakariyya in the Qur'an. Hamon argues that characters operate as structured signs composed of linguistic markers, semantic values, and socially or symbolically conditioned attributes that the narrative activates through lexical choices, syntactic roles, and rhetorical emphasis. For Hamon, the character must be treated as a sign whose signifier includes the name, morphological features, pronouns, and descriptive labels, while the signified includes all verbal, behavioral, psychological, and social dimensions constructed by the text. Hamon's approach diverges from traditional literary criticism by treating the character not as a psychologically autonomous

entity but as a functional composite encoded by the narrative system (Hamon, 1972). His methodology further distinguishes between quantitative criteria, which concern the amount and distribution of information surrounding a character, and qualitative criteria, which examine whether such information is generated through direct self-expression, narrative description, or inter-character commentary (Bahrawi, 1990). When applied to a sacred text whose characters are not fictive inventions of an author but bear historical and revelatory significance, Hamon’s model requires careful adaptation. Nevertheless, it remains methodologically useful because the Qur’an, though divinely revealed, employs narrative structures, character markers, and rhetorical strategies that operate semantically in ways semiotics can elucidate. The linguistic construction of Zakariyya’s name, deeply rooted in Semitic philology, embodies the concept of remembrance—“God remembers”—and thus the signifier itself encodes a theological message inseparable from the narrative’s thematic purpose (Hamon, 1990). Additionally, Hamon’s notion of descriptive levels—physiological, psychological, social, and symbolic—provides a structured basis for analyzing Qur’anic references to Zakariyya’s old age, physical frailty, spiritual sincerity, social role as guardian of Mary, and symbolic function as an exemplar of answered prayer. The Qur’an’s integration of his verbal actions (supplication, questioning, gratitude) and behavioral actions (entering the sanctuary, observing miraculous provision, engaging in private invocation) demonstrates the narrative precision with which the character is shaped. This semiotic decomposition clarifies how Zakariyya is transformed into a multidimensional sign that communicates divine mercy, human devotion, and the transcendence of natural limitations by divine decree.

The study’s semiotic analysis begins with the signifier—namely, the linguistic form of Zakariyya’s name. His name appears seven times in the Qur’an, and its occurrences are not arbitrary but strategically situated within narrative contexts

that foreground prayer, piety, and divine remembrance. Etymologically derived from the Hebrew root זכר (“to remember”) combined with the theophoric suffix יה (Yah), the name semantically signifies “God has remembered.” This Semitic etymology aligns closely with the Arabic root ذ-ك-ر, reinforcing the lexical convergence of remembrance and divine attention. Classical Arabic lexicons also define “character” (shakhsiyyah) in terms of dignity, nobility, and the internal disposition of the self (Dekhoda, 1998; Moein, 1996), while Qur’anic terminology such as *shākilah*, *qalb*, and *nafs* associates inner character with temperament, intention, and moral orientation (Salari-Far et al., 2011). The syntactic distribution of the name Zakariyya—appearing variously as subject, object, or vocative—reveals how grammatical positioning contributes to his narrative function. The use of the explicit name rather than a pronoun in rhetorically charged contexts intensifies affective resonance, as in “إِذْ نَادَى رَبَّهُ زَكِيًّا نَدَاءً خَفِيًّا” where the explicit naming adds gravity and solemnity to the scene (Ra’di, 2018). Rhetorically, the Qur’an’s deployment of the name underscores thematic harmony between linguistic form and narrative meaning; the character who embodies remembrance is repeatedly invoked at moments of deep supplication and divine response (Sobhani, 2006). Such rhetorical strategy heightens the coherence between signifier and signified, reinforcing the semantic unity of the character’s identity and mission.

The signified dimension of Zakariyya’s character emerges through his actions, attributes, and narrative roles as described in the Qur’an. Historical and exegetical sources identify him as a prophet of the lineage of Levi, guardian of Mary, and a spiritual leader whose devotion and humility distinguished him among the righteous (Tabari, 1977, 1992; Tabarsi, 1998; Tabarsi, 1988). His custodianship of Mary, established through divine selection, provides the narrative catalyst that triggers his most intimate supplications. His

observation of miraculous provision—fresh fruits appearing out of season—awakens a renewed certainty in divine omnipotence and leads him to ask for a “pure offspring,” a supplication saturated with spiritual sincerity and ethical purpose (Tabataba’i, 2010). Traditional accounts describe Zakariyya as a carpenter, a modest servant of the sanctuary, and a martyr whose death exemplified the persecution faced by prophets (Majlisi, 1983; Shabestari, 2000). Reports concerning his burial sites in Jerusalem or Aleppo point to his lasting spiritual significance (Copeland, 1991; Raminnejad, 2008). Semiotic analysis also considers the extensive verbal actions attributed to him in the Qur’an—calling upon the Lord, questioning with reverence, expressing gratitude, and requesting signs. His behavioral actions—entering the sanctuary, observing miracles, maintaining ritual prayer, and communicating via gestures when rendered temporarily speechless—compose a behavioral code through which the Qur’an constructs his spiritual persona. Lexical analysis of terms associated with his speech, such as *دعاء* (supplication), *نداء* (calling out), and *وزن* (gesture), reveals a multilayered pattern of devotion grounded in humility and deep faith (Raghib Isfahani, 1995). Each action contributes to the narrative’s semiotic architecture in which Zakariyya becomes a symbol of unwavering reliance on God despite physical frailty and adverse circumstances.

At the descriptive level, Hamon’s categories—physiological, psychological, social, and symbolic—allow for a holistic classification of Zakariyya’s character. Physiologically, the Qur’an portrays him as advanced in age, with weakened bones and hair whitened like a blazing flame, metaphors that convey both vulnerability and spiritual luminosity (Makarem Shirazi, 1995). Psychologically, he embodies serenity, trust, and an unbroken history of answered prayers, as he himself declares that he has never been disappointed in his supplications to God. Socially, his role as guardian of Mary situates him at the heart of sacred history; his interaction with her

becomes the narrative hinge through which divine mysteries unfold (Rezaei Esfahani, 2008). Symbolically, Zakariyya stands as a paradigmatic figure of divine remembrance, representing a dialectic between human invocation and divine attention. His temporary inability to speak, imposed as a divine sign, functions semiotically as both a physical restriction and a symbolic elevation, redirecting communication toward gesture, contemplation, and intensified remembrance. Hamon’s theory posits that characters acquire meaning not only through explicit description but also through narrative distribution, relational dynamics, and symbolic associations. Zakariyya’s character is therefore constructed as a multilayered symbol whose experiential journey—frailty transformed into hope, supplication answered with miraculous birth, silence turned into praise—exemplifies the Qur’anic principle that divine mercy transcends natural limitations. This symbolic constellation reinforces the narrative message that divine intervention is intimately connected with moral purity, sincerity of intention, and unwavering invocation.

In conclusion, the semiotic analysis of Prophet Zakariyya reveals a profoundly integrated narrative structure in which linguistic form, narrative function, symbolic significance, and theological meaning converge to create a unified and multidimensional portrait of prophetic identity. His character operates simultaneously as a historical figure, a moral exemplar, a symbolic embodiment of divine remembrance, and a narrative mechanism for illustrating God’s power to grant life where natural means fail. By applying Hamon’s semiotic model, the study demonstrates that Zakariyya’s portrayal in the Qur’an is not merely descriptive but structurally intentional, allowing his name, actions, supplications, and experiences to function as interconnected signs within a coherent semiotic system. This extended analysis thus deepens the interpretive understanding of the Qur’an’s rhetorical and narrative sophistication and highlights the ways in which sacred discourse

encodes complex theological concepts through the semiotic construction of prophetic characters.

## References

- Ameri, M. A. (2015). *Semiotics of Ruling Men in the Holy Qur'an* University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities]. Tehran.
- Bahrawi, H. (1990). *Binyat al-Shakl al-Riwa'i*. Al-Markaz al-Thaqafi al-'Arabi.
- Copeland, P. (1991). *The Land and People of Syria* (Trans. Fariborz Majidi). Elmī va Farhangī.
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press.
- Ghaemini, A. (2014). *Biology of the Text: Semiotics and Qur'anic Interpretation*. Research Institute for Culture and Islamic Thought.
- Hamon, P. (1972). Pour un statut sémiologique du personnage. *Littérature*(6), 86-111.
- Hamon, P. (1990). *Simiyulujiyat al-Shakhsiiyya al-Riwa'iiyya* (Trans. S. Benkirad). Dar al-Kalamayn.
- Majlisi, M. B. i. M. T. (1983). *Bihar al-Anwar*. Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Nemuneh*. Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
- Mehregan, A. (2013). *Philosophy of Semiotics*. Nashr-e Farda.
- Moein, M. (1996). *Persian Dictionary (Medium Edition)*. Amir Kabir.
- Ra'di, M. A. (2018). *Applied Rhetoric in the Holy Qur'an*. SAMT.
- Raghib Isfahani, H. i. M. (1995). *Mufradat al-Qur'an: Translation and Philological Commentary*. Morteza Publishers.
- Raminnejad, R. (2008). *Graves of the Prophets*. Islamic Research Foundation.
- Rezaei Esfahani, M. A. (2008). *Tafsir-e Qur'an-e Mehr (Vols. 1-24)*. Tafsir and Qur'anic Studies Research Center.
- Salari-Far, M. R., Mousavi Asl, S. M., Dowlatkah, M., & Shojaei, M. S. (2011). *Mental Health with an Islamic Perspective*. SAMT / Howzeh & University Research Institute.
- Salehi, P., & Shahpasand, S. (2021). The Element of Character in "Men in the Sun" and "The Sound and the Fury": Based on Philippe Hamon's Theory. *Comparative Literature Research Journal*, 11(2), 113-139.
- Shabestari, A. (2000). *Announcements of the Qur'an*. Boostan-e Ketab.
- Sobhani, J. (2006). *Al-Tamhid fi 'Ulum al-Qur'an (Vol. 2)*. Imam Sadiq Institute.
- Tabari, M. i. J. (1977). *Persian Translation of Tafsir al-Tabari (Ed. H. Yaghmaei)*. Toos.
- Tabari, M. i. J. (1992). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Vol. 5, p. 121)*. Dar al-Ma'rifah.
- Tabarsi, A. A. a.-F. i. a.-H. (1998). *Jawami' al-Jami'* (Trans. A. Shadmehri). Islamic Research Foundation, Astan Quds Razavi.
- Tabarsi, F. i. H. (1988). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Dar al-Ma'rifah.
- Tabataba'i, S. M. H. (2010). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Islamic Publications Office.